

دنیای کفر باید از تسلیم شدن مسلمانان، مأیوس باشد

احمد عدالتیان| در ادامه مرور سوره‌های کوچک قرآن کریم، سوره مبارک کافرون را باهم تلاوت می‌کنیم که خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ، وَلَا أَتَّعِبُ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ، وَلَا آتَانَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ، وَلَا أُتَّعِبُ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ، لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ، بگو ای کافران! من نمی پرستم آنچه شما می پرستید و نه شما می پرستید آنچه من می پرستم، و نه من می پرستم آنچه شما پرستش کرده‌اید و نه شما می پرستید آنچه من می پرستم، [حال که چنین است] آیین شما برای خودتان و آیین من برای خودم.»

درباره این سوره آمده است که بعضی سران قریش به پیامبر^ص گفتند: تو یک سال از آیین ما پیروی کن، ما سال بعد از تو پیروی می‌کنیم و هرکدام بهتر بود، آن را ادامه می‌دهیم، اما پیامبر^ص نپذیرفتند. آن ها گفتند: لااقل خدایان ما را مس کن و تبرک بجوی تا ما نیز خدای تو را بپرستیم و در این هنگام این سوره نازل شد.

سوره کافرون به مایادآوری می‌کند که مسلمانان باید در برابر پیشنهادهای غیرمنطقی، پاسخ صریح و قاطع بدهند و دشمنان را از خود مأیوس کنند. اعلام براءت از کفار، باید مکرر و مؤکد و علنی باشد و دنیای کفر باید از تسلیم شدن مسلمانان، مأیوس باشد، همان کاری که مردم ایران بیش از ۱۴۰ شب است انجام داده و نشان داده‌اند در دین، معامله و با دشمن، سازش نمی‌کنند.

نکته مهم این است که نباید به نام وحدت، از اصول و ارزش‌ها سربیزی کرد و به خاطر جذب دیگران، دست به هر کاری زد.

حکمت

چرا حواست به خودت نیست؟

علیرضا وکیلی| در آغاز نامهٔ ۳۱ نهج البلاغه، حضرت امیرالمؤمنین علی^(ع) خطاب به فرزندشان، امام حسن^(ع)، می‌نویسند: «وَأَنْ أَتَوَّنَ لَكَ كَأَنِّي فَيْكٌ، بَلْ كَأَنِّي كَلْمُكَ، گویی من چنان به تو نزد یکم که انگار درون تو هستم، بلکه انگار خود تو هستم.» این شروع، یک رابطه معمولی پدر و فرزند ی نیست؛ یک گفت‌وگوی عمیق برای ساختن «هویت انسان» و نقطه ورود به مهم‌ترین سؤال اوست: «من که هستم؟»

امام^(ع) در ادامه همین نگاه پدران‌ه می‌خواهد بگوید، من تو را از خودم جدا نمی‌بینم، چون سرنوشت تو، ادامه فکر و تجربه من است، یعنی من آن قدر به تو نزدیک و دلسوزم که انگار در درون تو زندگی می‌کنم و آینده تو را زندگی خودم می‌دانم. این یعنی تربیت، فقط نصیحت نیست، نوعی هم‌زیستی فکری و مراقبت دائمی است و دقیقا همین جاست که بحران هویت امروز معنا پیدا می‌کند.

جوان امروز، درست در نقطه مقابل همین اتصال قرار گرفته است، او در میان صدها صدا، نگاه و تصویر، بزرگ می‌شود. یک روز الگویی از موفقیت می‌بیند، فردا الگویی دیگر، نتیجه این می‌شود که در میان جمع، یک «من» دارد و در فضای مجازی، «منی دیگر». مثلا دانشجویی را تصور کن که در ظاهر پراترزی و موفق است، اما وقتی تنها می‌شود، نمی‌داند واقعا چه مسیری را دوست دارد، فقط در حال دنبال کردن موج‌هاست، نه ساختن خودش.

امام علی^(ع) در این آغاز، یک اصل ساده اما عمیق می‌گذارد: اگر انسان از درون دیده و شناخته نشود، بیرون او را شکل می‌دهد و این همان جایی است که هویت، ناپایدار و چندپاره می‌شود.

قرآن کریم این وضعیت را دقیق توضیح می‌دهد: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ، (حشر/۱۹)، وقتی خدا فراموش شود، خود انسان هم گم می‌شود. این گم شدن فقط معنوی نیست، در تصمیم‌های روزمره هم خودش را نشان می‌دهد، مثل کسی که مدام شغل، علاقه یا حتی شخصیتش را عوض می‌کند و هیچ وقت احساس ثبات ندارد.

اگر بخواهیم پیام این بخش از نامه را ساده کنیم، امام^(ع) می‌فرماید، قبل از اینکه دنیا تو را تعریف کند، خودت را بشناس؛ چون اگر این اتفاق نیفتد، همیشه در نقش‌هایی زندگی می‌کنی که مال تو نیست.

راه برگشت هم سخت نیست؛ چند دقیقه خلوت واقعی در روز، کمتر مقایسه کردن خود با دیگران و پرسیدن این سؤال ساده از خود که «من واقعا چه می‌خواهم؟» همین سؤال‌های کوچک، کم‌کم آدم را به خودش برمی‌گرداند.

احکام محرم

به‌خاطر یک فراموشی، نذرم خراب شد

وکیلی| بسیاری از افراد در ایام محرم و صفر نذر می‌کنند که برای مدت معینی، مانند چهل روز زیارت عاشورا، قرآن یا دعای خاصی را بخوانند. اما گاهی به دلیل فراموشی یا غفلت، یک روز از این برنامه عقب می‌افتند و این پرسش پیش می‌آید که آیا نذر، باطل شده است یا باید آن را از ابتدا آغاز کرد؟ پاسخ این سؤال، به نوع نذر و نظر مرجع تقلید، بستگی دارد.

حکم شرعی

اگر شخصی با رعایت همه شرایط نذر، از جمله خواندن سیغه نذر، نذر کرده باشد که چهل روز بی‌دربی کاری را انجام دهد(برای مثال از اول محرم تا رابعین، زیارت عاشورا بخواند) و یک روز به دلیل فراموشی به نذر خود عمل نکند، حکم آن چنین است:

آیت‌الله‌العظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای:

اگر چهل روز معین از یک سال مشخص را نذر کرده، احتیاط در این است که عمل را تا روز چهل‌ویکم ادامه دهد. اما اگر چهل روز بی‌دربی غیرمعین (مثلا یکی از ماه‌های محرم) را نذر کرده، احتیاط در این است که سال بعد، از ابتدا چهل روز بی‌دربی انجام دهد.

آیت‌الله‌العظمی سیستانی:

اگر وقت معینی نذار، باید سال بعد دومرتبه از نوانجام دهد و اگر وقت معین داشته، آن یک روز را از آخر اضافه کند.

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی:

احتیاط واجب آن است که آن یک روز را از آخر اضافه کند.

فراموشی در انجام نذر، همیشه به معنای از بین رفتن نیست، بلکه حکم آن باتوجه به نوع نذر و فتوای مرجع تقلید متفاوت است. ازاین‌رو کسانی که نذرهای زمان دار و بی‌دربی می‌کنند، بهتر است پیش از آغاز، با احکام آن آشنا باشند تا در صورت بروز چنین مواردی، تکلیف شرعی خود را به‌درستی انجام دهند.



کتاب شهید ایران

شهریاران

ايشته

۱۴

مهرگان

گزارش

مفهوم صبر و رضا در قرآن و روایات

صبر در لغت به معنای بازداشتن نفس از جزع و بی‌تابی است. راغب اصفهانی در کتاب خود می‌گوید: «صبر، کنترل نفس در تنگناست.» و در آیات قرآن، بیش از نود بار به آن اشاره شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَتَبْلُؤُنَّكَ مِنَ الْغُوفِ وَالْغُوفُ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّنَابِ وَ تَبْرَأُ الصَّابِرِينَ، قطعا همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال ها و جان ها و میوه ها، آزمایش می‌کنیم و بشارت ده ده استقامت‌کنندگان!»(بقره/۱۵۵). صبر، به معنای مقاومت در برابر ناملایمات و جلوگیری از ناپسایسی و اعتراض است.

اما «رضا به قضای الهی»، مرتبه‌ای بالاتر از صبر محسوب می‌شود، درحالی‌که صبر به معنای تحمل و خودداری از جزع است. رضا به معنای خشنودی و آرامش قلبی از تقدیر الهی است.

امام صادق^(ع)، رضا و تسلیم را نشانه اصلی ایمان مؤمن معرفی کرده‌اند. ابن سنان می‌گوید: «به امام صادق^(ع) عرض کردم مؤمن چگونه بداند که مؤمن است؟ امام فرمودند: بِالتَّسْلِيمِ لِلَّهِ وَ الرَّضَا فَمَا وَزَعَا عَلَيْهِ مِنْ سُورٍ أَوْ سَخَطًا. از طریق تسلیم به امر خدا و راضی بودن بر آنچه بر او، از شادی و غم، وارد می‌شود.»

سما‌نه رضوانی‌ا زندگی انسان همواره با فرازونشیب‌هایی همراه است و گاهی با شادی و گاهی با فقدان و اندوه، روبه‌رو می‌شود. در فرهنگ دینی اسلام و با تکیه بر قرآن و سیره اهل بیت^(ع)، این حوادث نه تنها بی‌معنا نیستند، بلکه زمینه‌ای برای رشد و تعالی

چگونه از «مصیبت و بلا» عبور کنیم و به مقام «رضا» برسیم؟

خدایا صبر در دل سختی‌ها را به ما ببخش

انسان محسوب می‌شوند. دو مفهوم کلیدی «صبر» و «رضا به قضای الهی»، به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه‌های معنوی، راه‌گشای انسان در مواجهه با بلا‌یا هستند و به او کمک می‌کنند تا در عین پذیرش واقعیت، احساسات جمعی و فردی خود را به بهترین شکل مدیریت کند.

حکمت بلا‌یا و آزمایش‌های الهی

یکی از مهم‌ترین حکمت‌های بلا‌یا، آزمایش مؤمنان واقعی از مدعیان است. قرآن کریم می‌فرماید: «أَخْسِبُ النَّاسُ أَنْ يَبْتَئُوا أَنَّ يُقُولُوا مَنَّا وَهُمْ لَا يُفْقَهُونَ، آیا مردم گمان کرده‌اند همین‌که بگویند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و آنان مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟»(مک‌ی‌ت‌۲) این آزمایش‌ها همگانی است و حتی پیامبران و اولیای الهی، نیز در معرض آن قرار گرفته‌اند. خداوند با سختی‌ها، مؤمنان را خالص و ناب می‌کند و استعداد‌های نهفته آن‌ها را شکوفا می‌سازد. در کتاب امالی شیخ صدوق درباره امام حسین^(ع) نقل شده است که پیامبر^ص را در خواب دید که به ایشان فرمود: «وإن لك فی الجنة درجات لا تألها إلا بالشهاده؛ برای تو درجه‌ای است در بهشت، نمی‌رسی به آن مگر به شهادت.»، بنابراین یکی از حکمت‌های بلا و مصیبت، رشد و تکامل و رسیدن به درجات عالی‌ه معنوی است.

همچنین، در نگاه توحیدی، گاهی مصیبتی که ظاهرانا خوشایند است، در باطن خیر و برکت به همراه دارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «... وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ... و بسا چیزی را خوش ندراید و آن برای شما خیر است، و بسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما بد است.»(بقره/۲۱۶) این بینش، نگاه انسان‌را از ظاهر حوادث به باطن حکیمانه آن‌ها، جلب و تحمل مشکلات را آسان‌تر می‌کند.

از صبر تا رضا، گام‌های عملی برای زندگی بهتر

رسیدن به مقام صبر و رضا، سفری تدریجی است. اول، شناخت و معرفت خداست، هرچه معرفت انسان به ذات و صفات الهی بیشتر باشد، تسلیم و رضایت او نیز بیشتر خواهد شد؛ چون می‌داند که مدیریت دنیا دست دانای حکیم، قادر و یگانه است؛ توجه به این نکته که صبر بر مصیبت واجب، اما رضایت درجه بالاتری از کمال است که انسان را به آرامش روحی می‌رساند. استاد صفایی حائری می‌گوید: «در برابر بلا یک عده عاجزند و یک عده هم نهایتا صابرنند و بهره می‌گیرند، اما مقدار مشکلی که پیدا‌کردند، مقدار ضعفشان را می‌فهمند، پس به جای اینکه بیابند بررسی کنند چرا این مشکل به وجود آمد، متوجه می‌شوند که چقدر قوی هستند. دو نوع موضع‌گیری است، ما گاهی در برابر حوادث رنج این را می‌بریم که چرا رفت. گاهی خوشحال می‌شویم از اینکه فهمیدیم که رفتنی است. نکته‌ای که باید توجه کنیم، تفکیک بین رضا به قضای الهی و ستم‌پذیری است. آموزه‌های دینی ما هرگز انسان را به ترک تلاش برای درمان بیماری، رفع فقر یا دفع ظلم، تشویق نمی‌کنند. رضا به معنای پذیرش نتایج پس از انجام وظیفه و تلاش است. نه توجیه سکوت در برابر ظلم. این راحتی، همان آرامشی است که با توکل به خدا و سپردن امور به او، در دل مؤمن جای می‌گیرد و او را در سخت‌ترین شرایط، امیدوار و استوار نگه می‌دارد.

کلام خود را با ذکر دعایی زیبا از حضرت امیرالمؤمنین^(ع) به پایان می‌رسانیم: «أخذ الله بقلوبنا وقلوبكم الی الحق، و ألهمنا وایاکم الصبر؛ خداوند دل‌های ما و دل‌های شما را به سوی حق متوجه سازد و به ما و شما صبر ال‌هام فرماید.»(خطبه ۱۷۲)

مدیریت احساسات جمعی در پرتو آموزه‌های دینی

شهید مطهری در این باره می‌گوید: «از این نکته نباید غفلت ورزید که مصائب، وقتی نعمت هستند که انسان از آن‌ها بهره‌برداری کند و با صبر و استقامت و مواجهه با دشواری‌هایی که مصائب تولید می‌کنند، روح خود را کمال بخشد. اما اگر انسان در برابر سختی‌ها، فرار را انتخاب کند و ناله و شکوه سر دهد، در این صورت بلا از برای او واقعا بلاست.»

مدیریت هیجانات، یکی از مهارت‌های اساسی زندگی است. امام موسی کاظم^(ع) فرمود: «المصیبه للصابر واحده و للجاج اثنتان، مصیبت برای شکیبا، یکی است و برای بی‌تابی‌کننده دوتا‌ست.» پس پیدا‌کردن مهارت صبر به کم کردن بار روانی مصیبت و بلاکمک می‌کند. در مواجهه با بلا‌یا جمعی، احساساتی نظیر ترس، اندوه و خشم به شکل گسترده‌ای بروز می‌کند. قرآن با توصیه به صبر و استقامت و یادآوری این حقیقت که همه چیز در پیشگاه خداوند رخ می‌دهد، به کنترل این احساسات کمک می‌کند. ایمان، دعا و وصل شدن به درگاه الهی، مهم‌ترین فنون مدیریت هیجانات منفی هستند. ایجاد ارتباط قلبی با خدا و توکل بر او، اضطراب و نگرانی را کاهش می‌دهد. همچنین هم‌دردی با دیگران، در مواقع بحران می‌تواند فضای جمعی را از یأس و ناامیدی به سمت هم‌بستگی و امید هدایت کند. به عبارت دیگر، صبر در سطح جمعی به معنای حفظ آرامش عمومی است.

واکاوی دلالت‌های راهبردی «تشییع قائد شهید»

نه‌صرفایک آیین سوگوری، بلکه یک «عملیات راهبردی» است که نقشی بی‌بدیل در افزایش اقتدار و عزت نظام اسلامی ایفا می‌کند.

با تکیه بر کلام نورانی حضرت امام صادق^(ع)، می‌توان ابعاد و پیامدهای این رویداد عظیم را در سه محور تحلیلی زیر صورت‌بندی کرد:
۱. قدرت نرم و تألیف قلوب: مطابق این حدیث شریف، تشییع به خودی خود، واجد ظرفیتی بی‌نظیر برای «تألیف قلوب» و همگرایی اجتماعی است. در ادوار مختلف، تشییع پیکر شهدای شاخص، نقطه عطفی در تغییر محاسبات دشمن

و معادلات سیاسی بوده است. شخصیتی ذوابعاد که بیش از شش دهه از عمر شریف خویش را وقف اعتلای اسلام و انقلاب اسلامی کرده است، شهادتش نیز لاجرم پیامدهایی چندوجهی و عمیق خواهد داشت و چنان‌که در اسفندماه خون این شهید و الا مقام، سبب تقویت سرمایه اجتماعی شد. تشییع پیکر مطهرش نیز در دوران سکوت ظاهری میدان نبرد، می‌تواند خونی تازه به رگ‌های ایران بیاورد، سریان دهد و به‌عنوان بالاترین سطح از «قدرت نرم»، مناسبات داخلی و خارجی را متأثر سازد.



عضو هیئت علمی دانشکده شهید مطهری تهران

۲. جنگ شناختی و هزمونی روایت

اول: فراز عمیق «مبادا دیگران در کار خیر، بر شما پیشی گیرند»، در تطبیق با اقتضائات زمانه، دلالتی روشن بر حوزه رسانه و «جنگ شناختی» دارد. در عصر حاضر، روایتگری یک

رویداد حق، خود مصداق اتم کار خیر و تکلیف اجتماعی است. دستگاه‌های رسانه‌ای و نخبگان جامعه اسلامی، نباید اجازه دهند که جریان رقیب در بازنمایی این حضور حماسی، پیش‌دستی کند. در دست‌گرفتن «مرجعیت روایت اول» و مخابره هوشمندانه این حماسه به افکار عمومی جهان، مانع از تحریف واقعیت توسط رسانه‌های معاند می‌شود و تثبیت‌کننده پیام اقتدار ملت است.

۳. حکمرانی مناسک و نفی وهن: بخش آغازین روایت، خطاب‌ی راهبردی به کلیت جامعه(عم از آحاد مردم و دستگاه‌های حاکمیتی) است. برگزاری تشییعی در این سطح از گستردگی، نیازمند بالاترین سطح از دقت، ظرافت و «مدیریت تجمعات» است.

ه‌رگونه قصور در نظم‌بخشی، آسیب یا شئون مراسم که به بی‌نظمی یا بی‌بینجامد، می‌تواند دستاویزی برای طعن دشمنان (بغیظ و قایه) باشد. بنابراین هم‌بستگی



درنگ